ISSN: 2717-0934 Vol.7 , No.4, Serial No. 26, Winter 2026 http://journal.iiwfs.com/

The Journal of Fundamental and Applied Studies of the Islamic World

https://doi.org/10.22034/fasiw.2026.572631.1565

Article Type: Research paper

The Why and Functions of Saudi Arabia's Political Opposition Social Networks; A Case Study of Salafi and Neo-Salafist Takfiri Groups

***Khalilollah Sardarnia[1], Ali Roohi Mele[2]**

1. Professor, Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran.
2. M.A. Graduate in Regional Studies (Middle East and North Africa Concentration), Shiraz University, Shiraz, Iran.

Article Info.

Received: 28/01/2026
Accepted: 24/02/2026
Available Online: 30/06/2026

Keywords:
Social networks, Salafi and neo-Salafi opposition, digital activism, political obstruction, cyberspace.

*** Corresponding Author:**
Dr. Khalilollah Sardarnia
Address: Professor, Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran.
E-mail:
kh_sardarnia@shu.ac.ir

Abstract

This study aims to investigate the reasons and functions of social networks in the activism of the political opposition in Saudi Arabia and, focusing on two Salafi-Takfiri and neo-Salafi movements, attempts to analyze the evolution of the political and discursive behavior of the opponents. The theoretical framework of the study is based on Habermas' theory of the public sphere and communicative action, Castells' network society, discursive framing, resource mobilization, online radicalization, and political opportunity. The research method is descriptive-analytical and based on documentary analysis and digital content analysis. The findings show that social networks play the role of an "alternative public sphere" in the authoritarian structure of Saudi Arabia and provide the opportunity to express dissatisfaction, make demands, and reproduce opposition discourses. According to the results, the Salafi-Takfiri movement has experienced a gradual decrease in activity from 2018 to 2024 and has turned to more limited networking, while the neo-Salafi movement has grown and had a more stable presence during the same period. These trends show that cyberspace has become the most important arena for ideological and political competition for the Saudi opposition.

How to Site:
Sardarnia,K and Roohimale, A. (2026). The Why and Functions of Saudi Arabia's Political Opposition Social Networks; A Case Study of Salafi and Neo-Salafist Takfiri Groups. *The Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 7 (4), 174-205.

Authors retain the copyright and full publishing rights.
Published by Iranian Association of Geopolitics. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

فصلنامهٔ مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام،
سال هفتم، شمارهٔ بیست و ششم، زمستان ۱۴۰۴
https://doi.org/10.22034/fasiw.2026.572631.1565

انجمن ژئوپلیتیک ایران
Iranian Association of Geopolitics (I.A.G)

نوع مقاله: علمی ـ پژوهشی

چرایی و کارکردهای شبکه‌های اجتماعی اپوزیسیون سیاسی عربستان سعودی؛ مطالعه موردی گروه‌های تکفیری سلفی و نوسلفی

* خلیل اله سردار نیا[1]، علی روحی مله[2]

۱. استاد، علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای گرایش خاورمیانه و شمال آفریقا، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۰۸ بهمن ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۰۵ اسفند ۱۴۰۴
تاریخ انتشار: ۰۹ تیر ۱۴۰۴

کلیدواژه‌ها:
شبکه‌های اجتماعی، اپوزیسیون سلفی، نوسلفی، کنشگری دیجیتال، عربستان سعودی، انسداد سیاسی، مشروعیت دینی، فضای مجازی.

* نویسندهٔ مسئول:
دکتر خلیل اله سردار نیا
نشانی: استاد، علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
پست الکترونیک:
kh_sardarnia@shu.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی چرایی و کارکردهای شبکه‌های اجتماعی در کنشگری اپوزیسیون سیاسی عربستان سعودی انجام شد و با تمرکز بر دو جریان سلفی تکفیری و نوسلفی تلاش کرد نقش این فضا را در تحول رفتار سیاسی-ایدئولوژیک مخالفان تحلیل کند. در چارچوب نظری، از مجموعه‌ای از نظریه‌های حوزه عمومی و کنش ارتباطی بهره گرفته شد تا سطوح مختلف ساختاری، ارتباطی و ایدئولوژیک این پدیده به صورت جامع تبیین شود. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی و مقایسه ای و مبتنی بر تحلیل اسنادی، تحلیل محتوای کیفی و تحلیل گفتمان دیجیتال در فضای مجازی بوده است. یافته‌ها نشان داد که شبکه‌های اجتماعی در ساختار بسته و اقتدارگرای عربستان به‌عنوان «حوزه عمومی جایگزین» عمل می‌کنند و زمینه بیان نارضایتی و بازتولید گفتمان مخالف را فراهم می‌سازند. نتایج همچنین بیانگر دو روند متضاد در میان اپوزیسیون سلفی است: جریان تکفیری سلفی از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۴ ابتدا افزایش و سپس کاهش تدریجی فعالیت را تجربه کرده و به‌دلیل فشارهای امنیتی و محدودیت‌های پلتفرمی، به شبکه‌سازی مخفی و تولید محتوای محدودتر روی آورده است. در مقابل، جریان نوسلفی طی همین دوره روندی رشدیافته و پایدار داشته و با بهره‌گیری از زبان اصلاح‌گرایانه و انتقاد ملایم، توانسته دامنه مخاطبان خود را در شبکه‌های اجتماعی افزایش دهد. نتایج کلی پژوهش نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی اکنون مهم‌ترین میدان رقابت گفتمانی در میان اپوزیسیون سلفی عربستان هستند؛ میدانی که در آن، جریان‌های رادیکال تکفیری در حال عقب‌نشینی نسبی و جریان‌های نوسلفی در حال تقویت موقعیت خود به‌عنوان اپوزیسیون نرم و دیجیتال‌اند. این پویایی‌ها بیانگر نقش تعیین‌کننده فضای مجازی در آینده کنشگری سیاسی، مذهبی و اجتماعی مخالفان در عربستان سعودی است.

استناد به این مقاله:
سردارنیا، خلیل اله و روحی مله، علی. (۱۴۰۵). چرایی و کارکردهای شبکه‌های اجتماعی اپوزیسیون سیاسی عربستان سعودی؛ مطالعه موردی گروه های تکفیری سلفی و نوسلفی. *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام* (۴)۷، ۱۷۴-۲۰۵.

Authors retain the copyright and full publishing rights.
Published by Iranian Association of Geopolitics. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

۱. مقدمه

تحولات سیاسی و اجتماعی خاورمیانه طی دو دهه اخیر نشان داده است که شبکه‌های اجتماعی به یکی از مؤثرترین بسترهای بازتعریف رابطه میان حکومت‌ها و جریان‌های مخالف تبدیل شده‌اند. در عربستان سعودی نیز هم‌زمان با گسترش فضای دیجیتال، افزایش سطح دسترسی به اینترنت و تکثر کاربران، فضای جدیدی برای کنشگری سیاسی گروه‌های منتقد پدید آمده است؛ فضایی که در آن محدودیت‌های ساختار سیاسی بسته، کنترل متمرکز رسانه‌ای و نظارت امنیتی شدید قادر نبوده‌اند مانع از شکل‌گیری نوعی عرصه رقابتی در سطح گفتمان، هویت‌سازی و بسیج اجتماعی شوند. این وضعیت زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که موضوع به گروه‌های سلفی تکفیری و نوسلفی معطوف شود؛ جریانی که از یک‌سو دارای خوانش‌های سخت‌گیرانه، ایدئولوژیک و در برخی موارد رادیکال است و از سوی دیگر برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی، گسترش نفوذ و بازتولید گفتمان خود ناگزیر به بهره‌گیری از ابزارهای مدرن ارتباطی شده است.

در چنین شرایطی مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که چرا گروه‌های سلفی مخالف حکومت عربستان، با گرایش‌های متفاوت تکفیری و نوسلفی، به بهره‌گیری گسترده از شبکه‌های اجتماعی روی آورده‌اند و این فضا برای آنان چه فرصت‌ها و کارکردهایی در جهت بازنمایی هویت، سازماندهی نیروها، انتشار پیام‌های ایدئولوژیک و اعمال فشار گفتمانی بر ساخت قدرت فراهم کرده است. انگاره پژوهش بر آن است که شکاف میان کنترل حکومتی و آزادی نسبی در پلتفرم‌های دیجیتال فرصتی ایجاد کرده که مخالفان سلفی بتوانند در قالب «هویت‌های جایگزین»، «شبکه‌سازی پنهان» و «قدرت نرم دیجیتال» ظرفیت‌های جدیدی برای کنشگری سیاسی و مذهبی خود تعریف کنند. بدین ترتیب، متغیر مستقل پژوهش، میزان و نوع بهره‌گیری گروه‌های سلفی از شبکه‌های اجتماعی و متغیر وابسته، کارکردهای سیاسی، ایدئولوژیک و کنشگرانه این فضا برای اپوزیسیون سلفی است. متغیرهای مداخله‌گر نیز می‌توانند شامل شدت کنترل حکومتی، سطح رادیکالیسم گفتمانی، میزان انسجام گروهی و گستره مخاطبان باشند.

پرسش اصلی پژوهش این است که: «شبکه‌های اجتماعی برای جریان‌های سلفی تکفیری و نوسلفی مخالف حکومت عربستان چه نقش و کارکردهایی در عرصه کنشگری سیاسی ایفا می‌کنند؟» پرسش‌های فرعی نیز ناظر بر این هستند که این فضا چگونه به بازتولید معنایی پیام‌ها، بسیج هواداران، تولید مشروعیت و مدیریت عملیات روانی آنان کمک می‌کند. بر

همین مبنا، فرضیه اصلی پژوهش بر این پیش‌فرض استوار است که شبکه‌های اجتماعی به دلیل ماهیت تعاملی، فراملی و کم‌هزینه خود، امکان تازه‌ای برای تحول کنشگری سیاسی مخالفان سلفی فراهم آورده و موجب شده که وزن گفتمانی و اثرگذاری آنان در میدان سیاسی عربستان نسبت به گذشته تغییر یابد. فرضیه‌های فرعی نیز بر این نکته تأکید دارند که فضای دیجیتال موجب افزایش انسجام شبکه‌ای، تقویت روایت‌سازی و گسترش ظرفیت‌های ارتباطی جریان‌های سلفی شده است.

این پژوهش از نظر روش‌شناختی با رویکردی توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر تحلیل گفتمان دیجیتال انجام می‌شود و بر اساس بررسی نمونه‌های رسانه‌ای، پیام‌های آنلاین و الگوهای رفتار سیاسی گروه‌های سلفی تکفیری و نوسلفی در شبکه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. جامعه مورد بررسی را محتوای تولیدشده از سوی این گروه‌ها در پلتفرم‌های مختلف تشکیل می‌دهد و تحلیل‌ها با هدف استخراج مؤلفه‌های گفتمانی، کارکردهای ارتباطی و الگوهای کنشگری صورت می‌گیرد. هدف کلی پژوهش نیز تبیین چرایی و چگونگی بهره‌گیری جریان‌های سلفی مخالف از شبکه‌های اجتماعی و روشن‌سازی نقش این فضا در بازتعریف موقعیت سیاسی آنان در ساخت قدرت سعودی است. افزون بر این، مطالعه حاضر می‌کوشد پیامدهای این وضعیت را در فهم آینده تحولات سیاسی عربستان و ظرفیت‌های احتمالی اپوزیسیون دیجیتال نشان دهد.

۲. پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که طی یک دهه اخیر، مطالعات گسترده‌ای درباره نقش شبکه‌های اجتماعی در تحولات سیاسی عربستان شکل گرفته است. بخش مهمی از این مطالعات بر این فرض استوارند که ظهور شبکه‌های اجتماعی موجب شکسته شدن انحصار رسانه‌ای دولت سعودی و فراهم‌سازی بستری برای بازتولید گفتمان‌های مخالف شده است. این خط پژوهشی از آثار اولیه مانند تحلیل «لینچ» آغاز می‌شود که نشان می‌دهد رسانه‌های اجتماعی توانسته‌اند یک «عرصه عمومی جایگزین» ایجاد کنند که در آن، مخالفان سیاسی در حکومت‌های اقتدارگرا— امکان ظهور و بیان مطالبات خود را می‌یابند.در حوزه گروه‌های سلفی و تکفیری، آثار «بونت» اهمیت ویژه دارند. او نشان می‌دهد که این گروه‌ها در دهه ۲۰۱۰ به‌طور گسترده وارد فضای دیجیتال شده‌اند و از شبکه‌های اجتماعی نه فقط برای تبلیغ مذهبی، بلکه برای جذب هوادار، مشروعیت‌سازی ایدئولوژیک و تسهیل بسیج سیاسی بهره برده‌اند. یافته‌های او با مطالعات منطقه‌ای

مانند پژوهش «صالحی» همسو است که نشان می‌دهد گروه‌های تکفیری ساختارهای شبکه‌ای خود را از طریق پلتفرم‌هایی مانند توییتر، تلگرام و یوتیوب گسترش داده‌اند. در مورد عربستان، آثار «الشیخ / آل‌راشد» و دیگر پژوهشگران عرب نشان می‌دهد که سیاست‌های سرکوب رسانه‌ای دولت به‌طور ناخواسته به تقویت اپوزیسیون دیجیتال منجر شده است؛ زیرا مخالفان- خصوصاً جریان‌های نوسلفی- به شبکه‌های اجتماعی مهاجرت کرده و در آنجا فضای امن‌تری برای بیان انتقادات یافته‌اند. مطالعات داخلی نیز تأیید می‌کنند که رسانه‌های اجتماعی در عربستان امروز نه‌تنها ابزار ارتباطی، بلکه میدان مناقشه سیاسی میان حکومت و مخالفان‌اند.

پژوهش / نویسنده	سال	موضوع	روش	مهم‌ترین یافته‌ها
لینچ، – حوزه عمومی جدید عرب[1]	۲۰۱۶	نقش شبکه‌های اجتماعی در شکل‌گیری اعتراضات و فضاهای عمومی عربی	تحلیل محتوای رسانه‌ای	شبکه‌های اجتماعی امکان ایجاد «عمومیّت» جایگزین را برای مخالفان سیاسی فراهم می‌کنند
بانت - هشتگ اسلام[2]	۲۰۱۸	تحلیل کنشگری گروه‌های سلفی در فضای دیجیتال	تحلیل گفتمان دیجیتال	گروه‌های سلفی از رسانه‌های اجتماعی برای تولید مشروعیت دینی، عضوگیری و عملیات روانی استفاده می‌کنند
الرشید – پادشاه پسر: اصلاحات و سرکوب در عربستان سعودی[3]	۲۰۲۱	بررسی سیاست‌های سرکوب، کنترل رسانه و مخالفان در عربستان	تحلیل سیاسی- تاریخی	محدودیت رسانه‌ای موجب مهاجرت مخالفان به شبکه‌های اجتماعی و ایجاد اپوزیسیون دیجیتال شده است .
آل سعود[4]	۲۰۲۰	مطالعه شبکه‌های اجتماعی سلفی‌های اپوزیسیون سعودی	تحلیل شبکه و محتوا	گروه‌های نوسلفی از پلتفرم‌های اجتماعی برای نقد آرام حکومت و ایجاد گفتمان اصلاحی بهره می‌برند.
وری – سیاست فرقه ای در خلیج فارس[5]	۲۰۱۷	بررسی نقش رسانه‌های دیجیتال در تحرکات مذهبی-سیاسی خلیج فارس	تحلیل سیاسی	شبکه‌های اجتماعی به رادیکالیزه شدن بخشی از سلفی‌های مخالف کمک کرده است.
هدایت‌نیا و همکاران	۱۴۰۰	تحلیل نقش رسانه‌های اجتماعی در تحولات سیاسی عربستان	تحلیل محتوای سیاسی	رسانه‌های اجتماعی ابزاری برای تخریب مشروعیت سیاسی حکومت و تقویت اپوزیسیون هستند .
صالحی	۱۳۹۹	مطالعه تطبیقی کنشگری دیجیتال گروه‌های مذهبی خاورمیانه	تحلیل گفتمانی	گروه‌های تکفیری از شبکه‌های اجتماعی برای ایجاد شبکه‌های پنهان و تسهیل بسیج سیاسی استفاده می‌کنند.

1. Lynch, M. – The New Arab Public Sphere
2. Bunt, G. – Hashtag Islam
3. Al-Rasheed, M. – The Son King: Reform and Repression in Saudi Arabia
4. Al-Saud, F.
5. Wehrey, F. – Sectarian Politics in the Gulf

جمع‌بندی پیشینه نشان می‌دهد که خلأ مهم در ادبیات، ترکیب رویکردهای امنیتی، مذهبی، اجتماعی و فناوری در تحلیل اپوزیسیون سلفی سعودی است. بیشتر پژوهش‌ها به یکی از این ابعاد پرداخته‌اند و مطالعه‌ای که همزمان «چرایی گرایش» و «کارکردهای شبکه‌های اجتماعی» را در هر دو جریان تکفیری سلفی و نوسلفی تبیین کند، کمتر صورت گرفته است. همین خلأ ضرورت پژوهش حاضر را توجیه می‌کند.

۳. چارچوب مفهومی و نظری

۳-۱. تعریف شبکه‌های اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی بسترهایی آنلاین هستند که افراد در قالب گروه‌های مجازی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و مؤلفه‌هایی مانند اطلاعات، نیازها، فعالیت‌ها و افکار را به اشتراک می‌گذارند. این فضاها که از جمله تأثیرگذارترین بخش‌های اینترنت محسوب می‌شوند، ضریب نفوذ بالایی به‌ویژه در میان جوانان دارند و کاربرانشان روزبه‌روز افزایش می‌یابد. در این شبکه‌ها، افراد می‌توانند علایق، افکار و فعالیت‌های خود را در قالب‌های گوناگونی چون عکس، فیلم، متن یا دست‌خط، چه به‌صورت عمومی و چه خصوصی، با دیگران به اشتراک بگذارند و درباره موضوعات مختلف گفت‌وگو کنند (Qalipour et al, 2015: 6).

۳-۱-۱. تلگرام

تلگرام، به‌عنوان نمادی از پیشرفت فناوری در جهان مدرن، حاصل تلفیق شبکه، پیام‌رسان و رسانه است؛ ترکیبی که ضمن افزایش توانمندی هر یک از این اجزا، آن‌ها را قادر ساخته مجموعه‌ای از نیازهای فردی و اجتماعی را ـ که پیش‌تر برای رفع هر کدام نیاز به ابزار جداگانه‌ای بود ـ به‌صورت یکپارچه فراهم کند. ساختار تلگرام، برخلاف پیام‌رسان‌ها و نظام‌های سنتی که بر پایهٔ سیستم عمودی، بروکراسی، قالب ملی ـ محلی، عضویت موروسی و ارتباط یک‌سویه و از بالا به پایین استوارند، بر مبنای سیستمی افقی و مبتنی بر اینفوکراسی، قالب جهانی ـ محلی، عضویت داوطلبانه و ارتباط دوسویه شکل گرفته است؛ ساختاری که در آن همهٔ اعضا در جایگاهی هم‌سطح قرار دارند. از این منظر، تلگرام و دیگر شبکه‌های اجتماعی را می‌توان از دموکراتیک‌ترین فضاهای دهکدهٔ جهانی دانست؛ فضاهایی که قدرت و ماندگاری آن‌ها تنها در گرو ایجاد اعتماد و رضایتمندی مستمر کاربران است. پاول و نیکلای دوروف، برادران روسی بنیان‌گذار تلگرام، این پیام‌رسان را با شعار «بازپس‌گیری حق حریم خصوصی» به بازار

معرفی کردند و همواره بر امنیت بالای آن تأکید داشته‌اند؛ تا جایی که حتی مدیران تلگرام نیز به اطلاعات شخصی کاربران دسترسی ندارند. تلگرام این امکان را در اختیار کاربران خود قرار می‌دهد تا پیام‌ها، تصاویر، صداها، ویدئوها و اسنادشان را، به‌صورت خصوصی یا عمومی، در قالب گروه‌ها و کانال‌ها به اشتراک بگذارند و نیز بتوانند تماس‌های صوتی و گفت‌وگوهای محرمانه برقرار کنند. هرچند تلگرام همچون دیگر شبکه‌های اجتماعی نوین، از مزایایی چون ماهیت شبکه‌ای، ساختار افقی و ارتباط دوسویه ـ که زمینه‌ساز اعتماد میان کاربران است ـ برخوردار است، اما به‌طور ویژه در شاخص‌هایی مانند سهولت استفاده، سودمندی، لذت مورد انتظار کاربران و تأثیرگذاری اجتماعی، در مقایسه با سایر رقبای خود، به‌ویژه واتس‌اَپ، با اختلاف قابل توجهی در جایگاه برتر قرار دارد (Ekhtiari Amiri et al., 2021:68-69).

۳-۱-۲. واتساپ

واتساپ یک پیام‌رسان فوری و رمزگذاری‌شده است که امکان تبادل پیام‌های متنی، صوتی، تصویری و ویدئویی را در گفت‌وگوهای خصوصی و گروهی فراهم می‌کند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد گروه‌های واتساپ، به‌ویژه در دوره‌هایی چون انتخابات یا بحران‌ها، فراتر از نقش ارتباطی روزمره عمل کرده و به بستری برای انتشار سریع اطلاعات سیاسی، شایعات و محتوای نادرست تبدیل می‌شوند (Resende et al., 2019: 225-234). از منظر گونه‌شناسی تصویری، تحقیقات انجام‌شده بر گروه‌های عمومی واتساپ در هند نشان می‌دهد که تصاویر یکی از اشکال اصلی انتقال خبر و شایعه‌اند و حدود ۱۰ تا ۱۳ درصد آن‌ها پیش‌تر به‌عنوان اطلاعات نادرست شناسایی شده‌اند. این پژوهش سه نوع تصویر مشکل‌ساز تصاویر خارج‌ازمتن، دست‌کاری‌شده و میم‌ها[6] را معرفی کرده و نشان می‌دهد مدل‌های یادگیری ماشین در تشخیص آن‌ها عملکرد پایداری ندارند. این یافته‌ها بیانگر نقش چشمگیر واتساپ در انتشار تصویری اطلاعات نادرست است و حاکی از آن‌که محدودیت‌هایی چون کاهش قابلیت فوروارد تنها تأثیری نسبی دارند (Garimella & Eckles, 2020: 10). افزون بر این، پیام‌های صوتی نیز در برخی جوامع نقشی مهم در گردش اطلاعات دارند؛ چنان‌که پژوهش موردی در لبنان نشان می‌دهد پیام‌های صوتی گمراه‌کننده غالباً بر مؤلفه‌هایی چون ارتباط احساسی، اعتبار ظاهری منبع، تحریک احساسات منفی و دعوت به اقدام تکیه دارند و به‌سبب بار عاطفی و صداقت

6. «میم» به **تصاویر ترکیب‌شده با نوشته یا نمادهای فرهنگی** گفته می‌شود که با هدف تأثیرگذاری عاطفی یا تبلیغاتی طراحی شده‌اند و ممکن است بخشی از جریان انتشار اطلاعات نادرست یا شایعات در واتساپ باشند.

ظاهـری گفتـار، تأثیـری فریبنـده و بسـیج‌گر دارنـد (El-Masri, Riedl & Woolley, 2022: 1).

۳-۱-۳. توئیتر (X)

توئیتـر را می‌تـوان به‌صـورت فشـرده در سـه معنـای مکمـل توصیـف کـرد: نخسـت، به‌مثابـه زیرسـاختی بـرای میکروبلاگینـگ عمومـی کـه بـا اتـکا بـه پیام‌هـای کوتـاه، هشـتگ و بازنشـر، سـرعت و دامنـه انتشـار خبـر و روایـت را افزایـش داده و آن را بـه کانـون توجـه عمومـی بـدل کـرده اسـت. ایـن ویژگـی بـه خبرگزاری‌هـا، سیاسـت‌مداران و کنشـگران نوظهـور امـکان می‌دهـد بی‌واسـطه بـا مخاطبـان گسـترده ارتبـاط برقـرار کننـد؛ امـا همیـن سـاختار بـه گسـترش اطلاعـات شـتاب‌زده و سـوگیر نیـز دامـن می‌زنـد (Flamino, 2023: 904). دوم، به‌عنـوان عرصـه شـکل‌گیری و تشـدید قطب‌بنـدی و اتاق‌هـای پـژواک. داده‌هـای کلان نشـان می‌دهـد سـهم محتـوای جعلـی یـا بسـیار سـوگیر در فاصلـه ۲۰۱۶ تـا ۲۰۲۰ کاهـش یافتـه یـا ثابـت مانـده، امـا هم‌زمـان تمرکـز کاربـران بـر مصـرف و بازنشـر محتـوای هم‌سـو بـا گرایـش ایدئولوژیکشـان افزایـش یافتـه و «اینفلوئنسـرهای خبـری» بـا قـدرت انتشـار بـالا توانسـته‌اند شـکاف‌های ایدئولوژیـک را تعمیـق کننـد؛ انتقـال نقـش محـوری از رسـانه‌های حرفـه‌ای بـه بازیگـران سیاسـی یـا مسـتقل نیـز تمایـز شـبکه‌ای و پـژواک سیاسـی را تقویـت کـرده اسـت (Flamino, 2023: 912). سـوم، به‌عنـوان فضایـی خـاص بـرای کنـش دموکراتیـک کـه هـم امـکان تعامـل مسـتقیم شـهروندان بـا خبرنـگاران و مقامـات را فراهـم می‌کنـد و هـم چالش‌هـای پژوهشـی و سیاسـت‌گذاری در پـی دارد. تعامـل کاربـران بـا حسـاب‌های رسـمی می‌توانـد بـر اعتمـاد و ارزیابـی عملکـرد دولـت اثـر بگـذارد، و شـواهد پیمایشی-آزمایشـی نشـان می‌دهـد ارتبـاط بـا بازیگـران دموکراتیـک بـه بهبـود توصیـف عملکـرد دولـت و افزایـش اعتمـاد می‌انجامـد؛ ازایـن‌رو، فهـم اثـرات ایـن پلتفـرم مسـتلزم ترکیـب تحلیـل شـبکه‌های انتشـار خبـر بـا تحلیل‌هـای جمعیتـی و نظرسـنجی اسـت (Gil de Zúñiga, 2024: 10). در مجمـوع، ایـن سـه بعـد، توئیتـر را نـه صرفـاً بسـتری فنـی، بلکـه اکوسیسـتمی متشـکل از منابـع متنـوع محتـوا، سـازوکارهای توصیـه و تعامـلات شـبکه‌ای معرفـی می‌کنـد کـه پیامدهایـی دوگانـه بـرای عرصـه عمومـی دارد: افزایـش دسترسـی سـریع و بسـیج‌گری لحظـه‌ای از یـک سـو، و تشـدید قطب‌بنـدی، کاهـش نقـش روزنامه‌نـگاری حرفـه‌ای در رأس شـبکه و پیچیدگـی راسـتی‌آزمایی از سـوی دیگـر (Marchal, 2021: 162).

۳-۱-۴. فیسبوک

فیسـبوک را می‌تـوان بـر پایـه شـواهد تجربـی اخیـر چنیـن توصیـف کـرد: نخسـت، سـازوکار الگوریتمـی

«نیوزفید» تعیین می‌کند هر کاربر چه نمایی از اخبار را ببیند. با وجود تنوع بالقوه منابع، رتبه‌بندی الگوریتمی و الگوهای تعامل (لایک، کامنت، اشتراک‌گذاری) سبب می‌شود محتوای مشاهده‌شده و محل درگیری کاربران به‌طور نامتقارن بازتاب‌دهنده گرایش‌های ایدئولوژیک آنان باشد؛ فرایندی که به «تفکیک ایدئولوژیک نامتقارن» در معرض اخبار می‌انجامد (González-Bailón et al., 2023: 392). دوم، در دوره‌های انتخاباتی، انتشار محتوا عمدتاً خوشه‌ای و متکی بر چند گره پرنفوذ است. برخلاف تصور «انتشار ویروس‌وارِ عمومی»، بخش بزرگی از محتوا هرگز فراگیر نمی‌شود و موج‌های گسترده معمولاً حاصل فعالیت خوشه‌های متمرکز یا بازیگران کلیدی‌اند؛ ویژگی‌های شبکه‌ای و نقش نودهای پرنفوذ دامنه نفوذ، به‌ویژه در مورد محتوای گمراه‌کننده، را تعیین می‌کند (González-Bailón et al., 2024: 1124). سوم، در حوزه پیام‌رسانی انتخاباتی و تبلیغات، پیام‌های ساده، محتوای بصری قوی و هدف‌گیری تبلیغاتی کارایی بیشتری در ایجاد درگیری و گسترش روایت‌ها دارند. مطالعات انتخابات اروپا نشان می‌دهد پیام‌های پوپولیستیِ تصویری تعامل و بسیج بیشتری برمی‌انگیزند و آزمون‌های آماری این برتری را تا حدی ناشی از ویژگی‌های محتوایی و ترکیب مخاطبان می‌دانند (Fenoll, 2022: 97).

۳-۱-۵. اینستاگرام

ایده اولیه اینستاگرام توسط کوین سیستروم[۷] و مایک کریگر[۸] در سانفرانسیسکو[۹] راه‌اندازی شد. آن‌ها در ابتدا قصد داشتند پلتفرمی مشابه فوراسکوئر[۱۰] ایجاد کنند، اما تمرکز خود را به سرعت بر اشتراک‌گذاری عکس معطوف کردند (Hajiahmadi, 2022: 33). اینستاگرام ترکیبی از «دوربین فوری» و «تلگرام» است. این برنامه ۶ اکتبر ۲۰۱۰ برای آیفون از طریق فروشگاه آیتونز منتشر شد و نسخه اندروید آن ۳ آوریل ۲۰۱۲ عرضه گردید. محبوبیت آن به‌سرعت افزایش یافت و بنا بر گزارش شرکت، در دو سال نخست بیش از ۴۰ میلیون کاربر فعال جذب کرد؛ رشدی که توجه فیس‌بوک را برانگیخت و در نهایت به خرید رسمی آن در تابستان ۲۰۱۲ به مبلغ یک میلیارد دلار انجامید (Eriksen, 2018: 325). این پلتفرم امکان ویرایش و بارگذاری عکس و ویدئوهای کوتاه را از طریق اپلیکیشن موبایل فراهم می‌کند، به هر پست می‌توان عنوان افزود و با هشتگ و برچسب جغرافیایی آن را دسته‌بندی کرد؛ به‌گونه‌ای که محتوا درون برنامه برای

7. Kevin Systrom
8. Mike Krieger
9. SanFransisco
10. Foursquare

سایر کاربران قابل جست‌وجو و دسترسی باشد (Aljazeera , Boyers, Dellavalle, 2020: 2). هر پست پس از انتشار، در فید دنبال‌کنندگان کاربر نمایش داده می‌شود و در صورت استفاده از هشتگ یا برچسب جغرافیایی، می‌تواند برای عموم نیز قابل مشاهده باشد. همچنین امکان خصوصی‌سازی نمایه وجود دارد تا فقط دنبال‌کنندگان تأییدشده به پست ها دسترسی داشته باشند (Said, Giustini, Wheeler, 2019: 37).

۳-۱-۶. یوتیوب

یوتیوب در کنار فیس‌بوک و توییتر از نسل جدید شبکه‌های اجتماعی به‌شمار می‌آید؛ پلتفرم‌هایی که با تثبیت جایگاه خود و دستیابی به مدل‌های درآمدی مؤثر، به بازیگرانی بزرگ و اثرگذار تبدیل شدند (Hassani, 2024: 61). یوتیوب با هدف حذف موانع فنی برای کاربران غیرمتخصص آغاز شد؛ کاربرانی که می‌خواستند ویدئوهای خود را در وب بارگذاری کنند. این وب‌سایت با فراهم‌کردن رابطی ساده و یکپارچه امکان بارگذاری، انتشار و تماشای آنلاین ویدئو را بدون نیاز به دانش فنی گسترده و تنها با مرورگرهای استاندارد و اینترنت با سرعت متوسط فراهم کرد (Burgess, 2018: 13). فن دایک یوتیوب را «اتصال صمیمانه میان تلویزیون و اشتراک‌گذاری ویدئو» می‌نامد و آن را هم پلتفرمی برای ویدئوهای آماتور و هم جایگزینی برای تلویزیون می‌داند؛ جایگزینی در فناوری، عادات روزمره کاربران، نوع محتوا و حتی بازنگری در صنعت سنتی پخش و مدل‌های تجاری آن (Van Dijk, 2017: 207). یوتیوب پلتفرمی مبتنی بر محتوای تولیدشده توسط کاربران است با جامعه‌ای جهانی و متنوع از نظر جمعیت‌شناختی، فرهنگی و زبانی که ژانرها و قالب‌های گوناگون را با اهداف مختلف منتشر می‌کنند. ازاین‌رو، حکمرانی مؤثر آن مستلزم سازوکارهای پیشرفته تنظیم‌گری محتوا برای حفظ ایمنی، فراگیری و ارزشمندی پلتفرم است. این پلتفرم امکان کشف، تماشا و اشتراک‌گذاری محتوا و برقراری ارتباط و الهام‌بخشی در مقیاس جهانی را فراهم می‌کند و هم‌زمان بستر توزیع برای خالقان محتوا و آگهی‌دهندگان بزرگ و کوچک است (Hassani, 2024: 62-63).

۳-۲. مفهوم اپوزیسیون دیجیتال [11]

اپوزیسیون دیجیتال به مجموعه‌ای از کنشگران، گروه‌ها یا جریانات سیاسی اطلاق می‌شود که با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فضای مجازی و پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی، به

11. Digital Opposition

چالش مشروعیت، نقد ساختار قدرت و سازمان‌دهی مقاومت سیاسی می‌پردازند. این مفهوم برخلاف اپوزیسیون سنتی که معمولاً نیازمند تشکیلات فیزیکی، رسانه‌های رسمی یا کانال‌های نهادی بود، بر زیرساخت‌های ارتباطی غیرمتمرکز و مشارکتی اینترنت تکیه دارد. در تعریف دقیق‌تر، «هاوارد» اپوزیسیون دیجیتال را «شکلی از کنشگری سیاسی که از فناوری‌های شبکه‌ای برای بسیج، نقد قدرت و ایجاد روایت‌های جایگزین استفاده می‌کند» معرفی می‌کند (Howard, 2015: 41). کی از مؤلفه‌های بنیادین اپوزیسیون دیجیتال، ماهیت شبکه‌ای و افقی آن است. این نوع اپوزیسیون برخلاف الگوهای سلسله‌مراتبی سنتی، مبتنی بر روابط پراکنده و خودجوش میان کنشگران فردی و گروهی است. همین ویژگی سبب می‌شود قدرت دولت‌ها برای کنترل آن محدود باشد. «کستلز» معتقد است که شبکه‌های دیجیتال، امکان شکل‌گیری «قدرت ارتباطی» را فراهم می‌کنند؛ قدرتی که می‌تواند ساختار قدرت رسمی را به چالش بکشد و میدان مبارزه سیاسی را به عرصه‌ای توزیع‌شده تبدیل کند (Castells, 2012: 54). عنصر مهم دیگر، جهانی بودن فضای دیجیتال است. اپوزیسیون دیجیتال، برخلاف اپوزیسیون داخلی، به مرزهای جغرافیایی محدود نمی‌شود و می‌تواند از طریق توییتر، یوتیوب، تلگرام و سایر پلتفرم‌ها، مخاطبان بین‌المللی را هدف قرار دهد. این ویژگی برای مخالفان رژیم‌های اقتدارگرا از جمله مخالفان سلفی و نوسلفی سعودی— اهمیت ویژه دارد؛ زیرا امکان دورزدن سانسور و انتقال پیام‌ها به خارج از کشور را فراهم می‌کند (Freedom House, 2021: 137). اپوزیسیون دیجیتال معمولاً از روایت‌سازی و تولید گفتمان بدیل برای مقابله با روایت رسمی دولت بهره می‌گیرد. این گفتمان می‌تواند ماهیت اصلاح‌طلبانه، انقلابی، مذهبی یا ایدئولوژیک داشته باشد؛ اما آنچه مهم است، قابلیت آن برای ساختن «افکار عمومی موازی» است؛ افکاری که زیر تأثیر جریان رسمی نیست و از طریق شبکه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. «تیوفکتی» تأکید می‌کند که در فضای دیجیتال، عملیات گفتمانی از طریق «قالب‌بندی پیام‌ها، بازنشر چندلایه و خلق نمادهای اعتراضی» صورت می‌گیرد و همین فرآیند باعث می‌شود حتی گروه‌های کوچک نیز اثرگذاری گسترده‌ای پیدا کنند (Tufekci, 2017: 128). ویژگی دیگر اپوزیسیون دیجیتال، انعطاف‌پذیری و پویایی آن است. به دلیل نبود ساختار فیزیکی و وابستگی به پلتفرم‌ها، این نوع اپوزیسیون می‌تواند به‌سرعت شکل بگیرد، شبکه‌سازی کند، تاکتیک‌های خود را تغییر دهد و حتی در صورت سرکوب شدید، به‌گونه‌ای «بازآرایی» شود که دوباره ظهور یابد.

این وضعیت در مورد گروه‌های تکفیری و سلفی سعودی بسیار قابل مشاهده است؛ زیرا با وجود فشارهای امنیتی دولت، حضور دیجیتال آن‌ها با تغییر کانال‌ها، رمزگذاری و پراکندگی بیشتر ادامه یافته است (Farooq, 2022: 74).

۳-۳. تعریف و شاخص‌های گروه‌های تکفیری سلفی

گروه‌های تکفیری سلفی به‌عنوان رادیکال‌ترین شاخه جریان سلفی، بر قرائتی سخت‌گیرانه، ظاهرگرا و مطلق‌انگار از متون دینی استوارند؛ قرائتی که هرگونه اختلاف با فهم مورد پذیرش آنان را نشانه خروج از دایره اسلام تلقی می‌کند. این گروه‌ها با بهره‌گیری از میراث ابن‌تیمیه، ابن‌قیم و به‌ویژه آموزه‌های اولیه محمدبن‌عبدالوهاب، ساختار سیاسی دولت‌های معاصر — از جمله حکومت سعودی را فاقد مشروعیت شرعی دانسته و آن را مصداق «حکم‌روایی جاهلی» معرفی می‌کنند. هگ‌هامر در پژوهش خود بر ریشه‌های رادیکالیسم سلفی تأکید می‌کند که جریان تکفیری، از دهه ۱۹۸۰ به بعد، با ترکیب آموزه‌های فقهی سخت‌گیرانه و جهادگرایی مسلحانه به یک ایدئولوژی منسجم سیاسی-امنیتی تبدیل شد (Hegghammer, 2010: 21). در این چارچوب، تکفیر گسترده یکی از بنیادی‌ترین شاخصه‌های این جریان به شمار می‌رود. به بیان دیگر، تکفیری‌ها دایره ایمان و کفر را چنان محدود می‌کنند که حتی مسلمانانی که با قرائت آنان مخالف‌اند، در زمره مرتدان قرار می‌گیرند. این ویژگی در نوشته‌ها و بیانیه‌های القاعده و داعش به‌روشنی دیده می‌شود و بسیاری از تحلیلگران این رویکرد را «توسعه افراطی مفهوم ولاء و براء» توصیف کرده‌اند (Lister, 2015: 93). در کنار تکفیر، جهادگرایی نیز به عنوان ابزار اصلی تغییر شرایط سیاسی تعریف می‌شود؛ به‌گونه‌ای که برای گروه‌های تکفیری، جهاد صرفاً یک کنش سیاسی نیست، بلکه «واجبی شرعی برای مبارزه با حکومت‌های طاغوت» تلقی می‌شود. بر همین اساس، نظام سعودی نیز به دلیل همکاری با قدرت‌های غربی و فاصله‌گیری از آموزه‌های وهابی اولیه، هدف مشروع جهاد معرفی شده است (Hegghammer, 2010: 43). یکی دیگر از شاخصه‌های مهم این جریان، نفی نظم سیاسی و دینی رسمی عربستان است. گروه‌های تکفیری، نهاد دینی رسمی مانند «هیئت کبار العلماء» و حکومت آل‌سعود را «بدعت‌گذار» و «منحرف از شریعت» می‌دانند و این گزاره را در اغلب روایت‌های تبلیغاتی خود بازتولید می‌کنند. مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که از دهه ۲۰۰۰ به بعد، این رویکرد شدت بیشتری یافته

و در تولیدات رسانه‌ای گروه‌های مخالف سلفی به‌طور منظم منعکس شده است (Al-Rasheed, 2007: 122). ظاهرگرایی فقهی نیز عنصر مهم دیگر این جریان است. تکفیری‌ها با ردّ هرگونه تاویل، اجتهاد نو و رویکرد عقلانی، تنها روایت خود از قرآن و سنت را معتبر می‌دانند و سایر دیدگاه‌ها را مصداق «بدعت» معرفی می‌کنند. «ویکتورو ویتز» این ویژگی را سبب شکل‌گیری نوعی جزم‌اندیشی ایدئولوژیک می‌داند که زمینه را برای رویکردهای رادیکال فراهم می‌کند (Wiktorowicz, 2006: 217). علاوه بر این، گروه‌های تکفیری دارای شبکه‌سازی گسترده فراملی‌اند و ارتباطات عملیاتی و ایدئولوژیک خود را از خاورمیانه تا شمال افریقا و حتی اروپا گسترش داده‌اند. پژوهش «بایمن» نشان می‌دهد که این شبکه‌ها به‌واسطه پیوندهای ایدئولوژیک، جریان ثابتی از نیرو، تجربه و محتوا را میان یکدیگر منتقل می‌کنند (Byman, 2019: 66). شبکه‌های اجتماعی در این میان نقش تعیین‌کننده‌ای دارند؛ زیرا با فراهم‌سازی امکان ارتباط پنهانی، رمزگذاری محتوا و انتشار سریع پیام‌ها، به گروه‌های تکفیری اجازه داده‌اند جذب نیرو، عملیات روانی و تولید گفتمان دینی-سیاسی خود را حتی در شرایط سرکوب امنیتی ادامه دهند. «وینتر» در تحلیل رسانه‌ای داعش نشان می‌دهد که ساختار تبلیغاتی تکفیری‌ها کاملاً بر محیط دیجیتال تکیه دارد و بدون آن، بسیاری از ظرفیت‌های عضوگیری آنان از میان می‌رفت (Winter, 2015: 14). در مجموع، گروه‌های تکفیری سلفی را می‌توان بر اساس سه محور تحلیلی فهم کرد: نخست، تکفیر موسع که مرزهای هویتی را به‌شدت محدود می‌سازد؛ دوم، جهادگرایی خشونت‌محور به‌عنوان راهبرد اصلی کنش سیاسی؛ و سوم، رد کامل مشروعیت نظم سیاسی-دینی عربستان. این سه ویژگی، در کنار ساختار شبکه‌ای و حضور فعال در رسانه‌های اجتماعی، سبب شده این جریان به یکی از بازیگران مهم و در عین حال تهدیدآمیز اپوزیسیون دیجیتال سعودی تبدیل شود.

۳-٤. تعریف و شاخص‌های گروه‌های نوسلفی

گروه‌های نوسلفی، شاخه‌ای تحول‌یافته از جریان سلفی هستند که برخلاف جریان تکفیری، رویکردی میانه‌روتر، عقلانی‌تر و نسبتاً سازگارتر با تحولات اجتماعی و سیاسی معاصر اتخاذ می‌کنند. نوسلفی‌ها در اصل از سنت سلفی‌گری و آموزه‌های ابن‌تیمیه و محمدبن‌عبدالوهاب ریشه می‌گیرند، اما برخلاف سلفی‌های تکفیری یا جهادی، بر بازخوانی انتقادی این میراث تأکید داشته و تلاش می‌کنند میان «اصول سلفی‌گری» و «ضرورت‌های جهان مدرن» نوعی

تـوازن برقـرار کننـد. بـه تعبیـر «لاکـر»، نوسـلفی‌ها را بایـد جریـان «اصلاح‌طلـب درون‌مذهبـی» دانسـت کـه هدفـش بازسـازی فهـم دینـی بـدون انـکار کامـل سـنت سـلفی اسـت (Lacroix, 2011: 38). شـاخص اصلـی ایـن جریـان، گرایـش بـه اصلاح‌گرایـی سیاسـی-اجتماعی اسـت. نوسـلفی‌ها برخـلاف تکفیری‌هـا مشـروعیت حکومـت سـعودی را به‌طـور کامـل رد نمی‌کننـد، امـا نسـبت بـه عملکـرد سیاسـی، سـاختار قـدرت، نقـش روحانیـت رسـمی و محدودیت‌هـای اجتماعـی انتقـاد دارنـد. آن‌هـا در فضـای شـبکه‌های اجتماعـی تـلاش می‌کننـد ایـن نقدهـا را در قالـب گفتمـان دینـی-اصلاحـی مطـرح سـازند، بـدون آنکـه وارد فـاز تقابلـی خشـونت‌آمیز شـوند. پژوهـش «لکـروا» دربـاره نوسـلفی‌های سـعودی نشـان می‌دهـد کـه ایـن جریـان از دهـه ۱۹۹۰ بـه بعـد به‌تدریـج از گفتمـان وهابـی سـنتی فاصلـه گرفتـه و وارد حـوزه «اصـلاح سیاسـی و اجتماعـی ملایـم» شـده اسـت (Lacroix, 2011: 42). ویژگـی مهـم دیگـر نوسـلفی‌ها ردّ تکفیـر موسّـع و تأکیـد بـر «اعتـدال اعتقـادی» اسـت. آن‌هـا برخـلاف تکفیری‌هـا، دایـره ایمـان و کفـر را محـدود نمی‌کننـد و معتقدنـد کـه تکفیـر بی‌ضابطـه سـبب تفرقـه، افراط‌گرایـی و بی‌ثباتـی اجتماعـی می‌شـود. برخـی چهره‌هـای نوسـلفی سـعودی حتـی به‌صراحـت علیـه رویکردهـای تکفیـری موضـع گرفته‌انـد و آن را انحرافـی از اصـول «اجتهـاد مقاصـدی» دانسـته‌اند (Al-Saud, 2020: 51). نوسـلفی‌ها همچنیـن دارای رویکـرد انتقـادی نسـبت بـه فقـه سـنتی هسـتند. آنـان ضمـن پذیـرش اصـول کلـی سـلفی، از «اجتهـاد نـو» و به‌ویـژه از اسـتفاده از روش‌هـای تفسـیر معاصـر بـرای پاسـخ بـه مسـائل جدیـد دفـاع می‌کننـد. ایـن رویکـرد سـبب شـده در ادبیـات دینـی معاصـر، نوسـلفی‌ها در موقعیتـی بینابینـی میـان سـنت و تجـدد قـرار گیرنـد (Wiktorowicz, 2006: 229). در عرصـه سیاسـی، نوسـلفی‌ها به‌طـور معمـول کنشـگری دیجیتـال غیرخشـونت‌آمیز را ترجیـح می‌دهنـد. شـبکه‌های اجتماعـی بـرای آن‌هـا ابـزاری جهـت بیـان دیدگاه‌هـا، نقـد سیاسـت‌های داخلـی، اعتـراض بـه بازداشـت‌ها، دفـاع از حقـوق شـهروندی و گسـترش گفتمـان اصلاح‌گرایانـه بـه شـمار مـی‌رود. برخـی مطالعـات، از جملـه پژوهـش «هدایت‌نیـا و همـکاران»، نشـان می‌دهـد کـه حضـور نوسـلفی‌ها در فضـای دیجیتـال بیشـتر از نـوع «سـازنده و انتقـادی» اسـت تـا «رادیـکال و قهرآمیـز» (Hedayatnia et al., 2021: 84). بـر خـلاف گروه‌هـای تکفیـری، نوسـلفی‌ها نه‌تنهـا بـا خشـونت مسـلحانه مخالف‌انـد، بلکـه بـر گفت‌وگـو، پرهیـز از قطبی‌سـازی و ترویـج اصلاح‌پذیـری نظـام سیاسـی تأکیـد دارنـد. ایـن خصوصیـت سـبب شـده تعامـل آنـان بـا حکومـت سـعودی پیچیـده باشـد: از یک‌سـو بخشـی از نوسـلفی‌ها خواهـان اصلاحـات گسـترده‌ترند و از سـوی دیگـر، برخـی از آن‌هـا نسـبت بـه حفـظ ثبـات سیاسـی حساسـیت

دارنـد و از تقابـل صریـح بـا دولـت پرهیـز می‌کننـد (Gause, 2014: 118). یکـی از شـاخص‌های مهـم دیگـر، بهره‌گیـری گسـترده از شـبکه‌های اجتماعـی بـرای توسـعه گفت‌وگوهـای فکـری، انتشـار نقدهـای دینـی، بازتعریـف مفاهیـم سـنتی و نقـد عملکـرد نهادهـای رسـمی اسـت. نوسـلفی‌ها بـه دلیـل محدودیـت رسـانه‌ای و فضـای بسـته سیاسـی عربسـتان، شـبکه‌های اجتماعـی را مـکان مناسـبی بـرای گسـترش ایده‌هـا و ایجـاد «حـوزه عمومـی دینـی» می‌داننـد؛ حـوزه‌ای کـه نسـبت بـه حـوزه عمومـی سیاسـی حساسـیت کمتـری ایجـاد می‌کنـد و فضـای امن‌تـری بـرای اظهـار نظـر فراهـم مـی‌آورد (Hamid, 2018: 63). در مجمـوع، نوسـلفی‌ها را می‌تـوان جریانـی دانسـت کـه از نظـر ایدئولوژیـک بـه سـنت سـلفی وفـادار اسـت امـا از نظـر روشـی، از ابزارهـای مدرن—شـبکه‌های اجتماعی—بـرای بازتولیـد و اصـلاح گفتمـان خـود اسـتفاده می‌کنـد. تفـاوت بنیـادی آن‌هـا بـا جریـان تکفیـری در عـدم اسـتفاده از تکفیـر موسّـع، عـدم توسـل بـه خشـونت، پذیـرش حداقلـی نظـم سیاسـی و تمایـل بـه اصلاح‌گرایـی اسـت. ایـن ویژگی‌هـا سـبب شـده نوسـلفی‌ها در سـاختار اپوزیسـیون دیجیتـال عربسـتان نقشـی متفـاوت امـا مؤثـر ایفـا کننـد؛ نقشـی کـه بیشـتر بـر اقنـاع، نقـد و بازخوانـی دینـی متمرکـز اسـت تـا رادیکالیسـم و تقابـل آشـکار.

٤. نظریه‌ها

٤-١. نظریه حوزه عمومی هابرماس و نقدهای آن در زمینه دیجیتال

مفهـوم «حـوزه عمومـی» در اندیشـه هابرمـاس بـه فضایـی میـان حـوزه خصوصـی و دولـت اشـاره دارد؛ جایـی کـه تشـکل‌های مدنـی، صنفـی، سیاسـی-اجتماعی و دیگـر نیروهـای اجتماعـی در شـرایطی برابـر بـه گفت‌وگـو و اسـتدلال دربـاره مسـائل مشـترک می‌پردازنـد. هـدف ایـن فضـا، تولیـد اجمـاع عقلانـی و مشـروعی اسـت کـه بتوانـد مبنـای اقـدام جمعـی و تصمیم‌گیـری عمومـی قـرار گیـرد. به‌زعـم هابرمـاس، حـوزه عمومـی زمانـی کارکـرد واقعـی خـود را نشـان می‌دهـد کـه عرصـه‌ای آزاد، برابـر و غیرانحصـاری بـرای مشـارکت همگانـی فراهـم کنـد و از طریـق کنـش ارتباطـی بازتولیـد شـود.

هابرماس برای توضیح این مفهوم از چهار جزء نظری بهره می‌گیرد:

نخسـت، پراگماتیـک عـام و توانـش ارتباطـی کـه بـر جایگزینـی زبـان گفت‌وگویـی به‌جـای زبـان

اقتدارگرایانـه تأکیـد دارد. بـه بـاور او، سـخن معتبـر بایـد قابـل فهـم، قابـل تأییـد، صـادق و موجـه باشـد. دوم، کنـش ارتباطـی کـه در برابـر کنـش ابـزاری قـرار می‌گیـرد؛ کنشـی کـه هـدف آن رسـیدن بـه تفاهـم از طریـق اسـتدلال عقلانـی اسـت، نـه کسـب منفعـت. سـوم، تمایـز جهان‌زیسـت و نظـام کـه در آن جهان‌زیسـت عرصـه فرهنـگ، زبـان مشـترک و پیش‌فرض‌هـای مسـلم اجتماعـی اسـت و امـکان فهـم مشـترک و گفت‌وگـوی عقلانـی را فراهـم می‌کنـد. چهـارم، گفتمـان یـا گفت‌وگـوی اسـتدلالی کـه زمانـی فعـال می‌شـود کـه اجمـاع خدشـه‌دار شـده باشـد و تنهـا از مسـیر اسـتدلال و نقـد می‌تـوان مشـروعیت تصمیم‌هـا را بازسـازی کـرد.

هابرمـاس مشـروعیت قوانیـن یـا تصمیم‌هـا را وابسـته بـه امـکان مشـارکت و توافـق همـه افـرادِ متأثـر از آن می‌دانـد؛ از ایـن‌رو، اخـلاق نیـز از نظـر او اساسـاً گفتمانـی و بین‌الاذهانـی اسـت. در ایـن چارچـوب، دموکراسـی زمانـی معتبـر اسـت کـه بـه اراده عمومـی و منافـع مشـترک متکـی باشـد. او در برابـر راه‌حل‌هـای نخبه‌گرایانـه یـا صرفـاً نهـادی، بـر وجـود یـک حـوزه سـومِ «عمومیـت انتقـادی» تأکیـد می‌کنـد کـه میـان افـکار عمومـی غیررسـمی و افـکار نهادی‌شـده رسـمی پیونـد برقـرار کـرده و امـکان شـکل‌گیری افـکار عمومـی انتقـادی و مسـتقل را فراهـم می‌کنـد (Sardarnia, 2022: 508-511).

۲-٤. نظریه کنش ارتباطی و گفتمان‌سازی در فضای مجازی

نظریـه کنـش ارتباطـی هابرمـاس بـر ایـن فـرض اسـتوار اسـت کـه کنـش زبانـی می‌توانـد به‌جـای سـلطه، بـر «تفاهـم» و «عقلانیـت ارتباطـی» اسـتوار شـود؛ کنش‌گرانـی کـه بـا صداقـت، درسـتی و قابل‌فهـم بـودن ادعاهـای خـود را عرضـه می‌کننـد، امـکان شـکل‌گیری گفتمـان انتقـادی و «اراده عمومـی» را فراهـم می‌آورنـد.در فضـای مجـازی، به‌ویـژه در شـبکه‌های اجتماعـی، ایـن چارچـوب نظـری بـه مـا کمـک می‌کنـد تـا تحلیـل کنیـم کـه چگونـه اپوزیسـیون دیجیتـال سـعودی از زبـان، اسـتدلال دینی-سیاسـی و ارجـاع بـه متـون شـرعی بـرای مشروعیت‌بخشـی بـه مواضـع خـود اسـتفاده می‌کند.گروه‌هـای نوسـلفی سـعی می‌کننـد بـا اسـتفاده از زبـان نسـبتاً معتـدل و تکیـه بـر اسـتدلال‌های فقهی-اجتماعـی، نوعـی گفتمـان اصلاح‌طلبانـه تولیـد کننـد، درحالی‌کـه گروه‌هـای تکفیـری از زبـان حداکثـری، دوگانه‌سـازی حق/باطـل و تکفیـر بـرای حـذف گفتمانـی رقیـب بهـره می‌گیرنـد. از منظـر کنـش ارتباطـی، می‌تـوان گفـت کـه هـر دو جریـان در ظاهـر از «اسـتدلال دینـی» سـخن می‌گوینـد، امـا جهت‌گیـری آن‌هـا نسـبت بـه امـکان تفاهـم کامـلاً متفـاوت اسـت: نوسـلفی‌ها در سـطحی حداقلـی

هنوز مخاطب را قابل‌اقناع می‌بینند، درحالی‌که تکفیری‌ها اساساً به‌دنبال حذف مخاطب «غیرخودی» هستند؛ این تفاوت، در تحلیل گفتمان دیجیتال آن‌ها اهمیت نظری پیدا می‌کند (Habermas, 1989: 56.57).

٤-٣. نظریه جریان‌های شبکه‌ای[12]

مانوئل کستلز در نظریه «جامعه شبکه‌ای» نشان می‌دهد که ساختار قدرت و کنش در عصر اطلاعات در قالب شبکه‌ها سازمان می‌یابد؛ شبکه‌هایی که حول جریان‌های اطلاعات، سرمایه، نماد و قدرت شکل می‌گیرند (Castells, 2005: 3؛ Castells, 2010: 21). در این جامعه، «قدرت ارتباطی» نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و کنشگران سیاسی برای تأثیرگذاری، باید در شبکه‌های ارتباطی جایگاه بگیرند. کاربست این نظریه در مورد اپوزیسیون سعودی نشان می‌دهد که گروه‌های سلفی تکفیری و نوسلفی نه صرفاً در قالب «سازمان»، بلکه به‌صورت «گره‌هایی در شبکه‌ای فراملی» عمل می‌کنند؛ شبکه‌ای که از حساب‌های توییتری، کانال‌های تلگرامی، اتاق‌های گفت‌وگو و وب‌سایت‌ها تشکیل شده و مرزهای جغرافیایی را پشت سر گذاشته است. کستلز از «شبکه‌های خشم و امید» سخن می‌گوید؛ جنبش‌هایی که با ترکیب نارضایتی (خشم) و امید به تغییر، در فضای مجازی سازمان می‌یابند و سپس به کنش سیاسی در دنیای واقعی پیوند می‌خورند (Castells, 2012: 15). در این پژوهش، نظریه جریان‌های شبکه‌ای کمک می‌کند تا شبکه‌های دیجیتال سلفی‌ها به‌عنوان «زیرساخت اصلی تولید و توزیع گفتمان اپوزیسیونی» در عربستان فهم شود.

٤-٤. نظریه چارچوب‌بندی در تحلیل گفتمان سلفی

نظریه چارچوب‌بندی بر این ایده استوار است که کنشگران سیاسی و رسانه‌ای، واقعیت را از طریق «قاب‌ها» سازمان می‌دهند؛ یعنی با برجسته‌سازی برخی عناصر و حذف یا کمرنگ‌سازی عناصر دیگر، به مخاطب می‌گویند «به چه چیز فکر کند» و «چگونه درباره آن بیندیشد». گافمن چارچوب‌ها را الگوهایی می‌داند که تجربه و ادراک را سازمان می‌دهند (Goffman, 1974: 23)، و انتمن چارچوب را «انتخاب برخی جنبه‌های واقعیت و برجسته‌سازی آن‌ها در متن ارتباطی برای تعریف مسئله، تشخیص علت، ارزیابی اخلاقی

12. Castells' Network Society Theory

و پیشنهاد راه‌حل» تعریف می‌کند. در تحلیل گفتمان سلفی در شبکه‌های اجتماعی، نظریه چارچوب‌بندی به ما اجازه می‌دهد نشان دهیم که گروه‌های تکفیری چگونه وقایع سیاسی (مانند بازداشت‌ها، جنگ‌های منطقه‌ای یا روابط سعودی با غرب) را در قاب «خیانت، کفر و جنگ با اسلام» می‌گذارند؛ درحالی‌که نوسلفی‌ها همان وقایع را در دو قاب متفاوت «ظلم سیاسی» و «نیاز به اصلاح دینی-سیاسی» صورت‌بندی می‌کنند. نوع چارچوب‌بندی، احساسات مخاطبان (خشم، مظلومیت، امید، یأس)، نوع کنش پیشنهادی (جهاد مسلحانه، اصلاح تدریجی، مقاومت مدنی، هجرت،...) و حتی نحوه استفاده از آیات و احادیث را تعیین می‌کند (Entman, 1993: 52).

٤-٥. نظریه رادیکال‌سازی آنلاین[13]

نظریه رادیکال‌سازی آنلاین بر فرآیندهایی تمرکز دارد که طی آن‌ها افراد در معرض محتواهای افراطی در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی قرار گرفته، به‌تدریج هویت و باورهای خود را با گفتمان افراطی منطبق می‌کنند و در برخی موارد به عمل خشونت‌آمیز می‌رسند. مطالعات جدید نشان می‌دهد که اینترنت می‌تواند سرعت، دامنه و شدت رادیکال‌سازی را افزایش دهد، به‌ویژه از طریق اتاق‌های پژواک، الگوریتم‌های پیشنهاد محتوا و جوامع مجازی بسته در مورد گروه‌های تکفیری سلفی، این نظریه توضیح می‌دهد که چگونه روایت‌های جهادی، کلیپ‌های خشونت‌بار، فتواهای تکفیری و داستان‌های «شهداء» در قالب محتوای چندرسانه‌ای در شبکه‌های اجتماعی بازتولید می‌شود و مخاطب را از سطح همدلی عاطفی به پذیرش ایدئولوژی و نهایتاً کنش خشونت‌آمیز سوق می‌دهد. در عربستان، بسته بودن نسبی فضای سیاسی و محدودیت رسانه‌ای رسمی، می‌تواند انگیزه اولیه نارضایتی و احساس بی‌عدالتی را افزایش دهد؛ شبکه‌های اجتماعی این نارضایتی را به گفتمان تکفیری پیوند می‌زنند و روند رادیکال‌سازی را تسهیل می‌کنند. در مقابل، همان فضا می‌تواند برای گفتمان نوسلفی معتدل و تلاش برای «دی‌رادیکال‌سازی» نیز به کار گرفته شود؛ به‌شرط آن‌که قدرت تولید محتوای جذاب و مستمر وجود داشته باشد (Bind-er, 2022: 3؛ Whittaker, 2022: 6).

13. Online Radicalization Theory

۵. مدل مفهومی

٦. روش‌شناسی

روش‌شناسی این پژوهش با توجه به ماهیت توصیفی-تحلیلی و هدف تبیینی آن، به‌گونه‌ای طراحی شده است که بتواند چرایی گرایش اپوزیسیون سیاسی سلفی عربستان سعودی به شبکه‌های اجتماعی و کارکردهای حاصل از این حضور را در چارچوبی نظری و منسجم توضیح دهد. از آنجا که موضوع پژوهش دارای ابعاد سیاسی، ایدئولوژیک و رسانه‌ای است، رویکرد تحقیق ترکیبی و مبتنی بر تحلیل اسنادی، تحلیل گفتمان دیجیتال و تحلیل محتوای کیفی بوده و گردآوری داده‌ها به‌صورت غیرمداخله‌ای و مبتنی بر داده‌های باز انجام شده است؛ بدین معنا که پژوهشگر در تولید محتوا یا تعامل با کنشگران دخالتی نداشته و صرفاً خروجی‌های موجود در رسانه‌های اجتماعی، وب‌سایت‌ها و گزارش‌های رسمی و غیررسمی را تحلیل کرده است. این شیوه، ضمن تأمین امنیت پژوهش در محیط اقتدارگرای عربستان سعودی، امکان مقایسه و تلفیق داده‌های متنوع را نیز فراهم ساخته است.

نمونه‌گیری در این پژوهش به‌صورت هدفمند و نظری انجام شده و هدف آن تعمیم آماری نبوده، بلکه دستیابی به فهم عمیق الگوهای معنایی و گفتمانی کنشگری دیجیتال بوده است. بر این اساس، حساب‌ها و کانال‌هایی انتخاب شده‌اند که وابستگی آشکار یا ضمنی به یکی از دو جریان «سلفی تکفیری» یا «نوسلفی منتقد» داشته و مواضع سیاسی-ایدئولوژیک آن‌ها در قبال

حاکمیت عربستان سعودی و ساختار دینی رسمی قابل شناسایی باشد. تمرکز محتوایی بر مسائل مرتبط با عربستان، تداوم فعالیت در بازه زمانی مورد مطالعه (حداقل شش ماه فعالیت مستمر)، حجم قابل‌قبول تولید محتوا و میزان نسبی تعامل کاربران از جمله معیارهای انتخاب نمونه‌ها بوده است. همچنین تنها داده‌هایی بررسی شده‌اند که به‌صورت عمومی در دسترس بوده‌اند. بخش مهمی از این داده‌ها از پلتفرم‌هایی مانند توییتر ، تلگرام و وب‌سایت های وابسته به این جریان‌ها استخراج شده‌اند.

پس از گردآوری داده‌ها، فرایند تحلیل در سه سطح انجام شده است. نخست، تحلیل اسنادی و کتابخانه‌ای برای تبیین چارچوب نظری و پیشینه پژوهش صورت گرفته و آثار مرتبط با سلفی‌گری، رادیکالیسم، شبکه‌های اجتماعی و سیاست در عربستان سعودی بررسی شده‌اند. در مرحله دوم، تحلیل گفتمان دیجیتال با هدف بررسی نحوه بازنمایی مفاهیم سیاسی، دینی و ایدئولوژیک در محتواهای آنلاین انجام شده است. در این مرحله، الگوهای زبانی، چارچوب‌بندی‌ها، استعاره‌های ایدئولوژیک، دوگانه‌سازی‌ها و شیوه‌های اقناع در تولیدات رسانه‌ای دو جریان تکفیری و نوسلفی تحلیل شده تا تفاوت‌های گفتمانی آن‌ها آشکار شود. در مرحله سوم، تحلیل محتوای کیفی برای استخراج مضامین اصلی به کار گرفته شده است. واحد تحلیل در این پژوهش «قطعه محتوایی» در نظر گرفته شده؛ یعنی هر توییت، پست یا محتوای متنی-رسانه‌ای که حامل پیام مشخصی درباره نقش شبکه‌های اجتماعی باشد. کدگذاری داده‌ها در سه گام کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شده و مفاهیمی مانند مشروعیت‌زدایی از حکومت، رادیکال‌سازی مذهبی، اصلاح‌گرایی نرم، بسیج دیجیتال و شبکه‌سازی فراملی شناسایی و در قالب مقوله‌های تحلیلی سامان‌دهی شده‌اند. در این فرایند، علاوه بر خوانش تفسیری دستی، از نرم‌افزارهای تحلیل کیفی برای نظم‌بخشی به کدها و مقایسه مضامین استفاده شده است.

جدول‌های ارائه‌شده در بخش یافته‌ها نیز مستقیماً از همین فرایند تحلیلی استخراج شده‌اند. جدول نخست بر اساس طبقه‌بندی حساب‌ها و کانال‌های مورد مطالعه به دو جریان تکفیری و نوسلفی تنظیم شده است. جدول دوم مضامین گفتمانی مسلط را نشان می‌دهد که حاصل کدگذاری محوری و تجمیع مفاهیم پرتکرار بوده است. جدول سوم کارکردهای شبکه‌های اجتماعی را بر پایه تطبیق داده‌های محتوایی با چارچوب نظری پژوهش استخراج کرده است. جدول چهارم که درصد فعالیت و کنشگری دیجیتال را نمایش

می‌دهد، بر اساس شمارش تعداد محتواهای تولیدشده در بازه زمانی مشخص و محاسبه سهم هر جریان از کل تولیدات انجام شده و درصدها بیانگر شدت نسبی فعالیت دیجیتال هر جریان هستند، نه میزان محبوبیت اجتماعی آن‌ها.

در نهایت، یافته‌های حاصل از این فرایند تحلیلی در چارچوب نظری ترکیبی شامل نظریه‌های حوزه عمومی، جامعه شبکه‌ای، چارچوب‌بندی، رادیکال‌سازی آنلاین تفسیر شده‌اند تا امکان تحلیل چندسطحی موضوع در سطوح ساختاری، رسانه‌ای و ایدئولوژیک-گفتمانی فراهم شود. بدین‌ترتیب، روش‌شناسی پژوهش از انسجام منطقی، شفافیت تحلیلی و قابلیت دفاع علمی برخوردار است و پیوندی روشن میان داده‌ها، ابزار تحلیل و چارچوب نظری برقرار می‌کند.

۷. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی— به‌ویژه پلتفرم‌هایی مانند توییتر، یوتیوب و تلگرام به مهم‌ترین فضای فعالیت اپوزیسیون سلفی در عربستان تبدیل شده‌اند. بررسی محتواهای دیجیتال تولیدشده توسط گروه‌های تکفیری سلفی و نوسلفی نشان می‌دهد که این جریان‌ها، اگرچه از یک ریشه فکری مشترک (سلفی‌گری) برخوردارند، اما در عمل دو الگوی کاملاً متفاوت از کنشگری دیجیتال را بازنمایی می‌کنند. جریان تکفیری در محتواهای دیجیتال بیشتر بر دوگانه‌سازی‌های هویتی (ایمان/کفر، حق/باطل)، مشروعیت‌زدایی کامل از حکومت سعودی و بسیج خشونت‌محور تمرکز دارد، درحالی‌که نوسلفی‌ها با بهره‌گیری از زبان نرم و اصلاح‌گرایانه، بیشتر به انتقاد سیاسی ملایم، پرسش از مشروعیت مذهبی نهادهای رسمی، و طرح مطالبات اجتماعی می‌پردازند. نکته قابل‌توجه این است که در هر دو جریان، شبکه‌های اجتماعی مهم‌ترین بستر بیان نارضایتی و انتقال پیام به مخاطبان داخلی و بین‌المللی هستند. داده‌ها نشان می‌دهد که حتی در شرایط افزایش کنترل امنیتی، حجم محتوای سیاسی-دینی این جریان‌ها کاهش نیافته و تنها شکل و کانال‌های انتشار آن تغییر کرده است.

۸. تحلیل کیفی داده‌ها

تحلیل کیفی داده‌ها آشکار می‌سازد که شبکه‌های اجتماعی برای اپوزیسیون سلفی سعودی سه کارکرد

سلسله‌مراتبی دارند:

الف) کارکرد سیاسی

۱. چالش مشروعیت سیاسی حکومت عربستان

۲. برجسته‌سازی ناکارآمدی نهادهای رسمی

۳. تولید روایت‌های رقیب نسبت به سیاست خارجی سعودی (به‌ویژه در یمن و سوریه)

٤. نقد وابستگی حکومت به غرب (در جریان‌های تکفیری شدیدتر)

ب) کارکرد ایدئولوژیک

۱. بازتولید هویت سلفی (در هر دو جریان، اما با رویکردهای متفاوت)

۲. ترویج فهم‌های رادیکال دینی (در تکفیری‌ها)

۳. ارائه بازخوانی‌های معتدل و اصلاح‌گرایانه (در نوسلفی‌ها)

٤. سرمایه‌گذاری بر پیام‌های عاطفی و نمادهای مذهبی برای جذب مخاطب

ج) کارکرد سازمانی-ارتباطی

۱. شبکه‌سازی پنهان و برون‌مرزی

۲. کاهش هزینه‌های بسیج و جذب نیرو

۳. هماهنگی فعالیت‌ها بدون ساختار سازمانی سنتی

٤. استفاده از رمزگذاری برای دور زدن ردیابی امنیتی

همچنین تحلیل گفتمان نشان می‌دهد جریان تکفیری از الگوهای ارتباطی بسته، مبتنی بر خطابه‌های قطبی و ارجاعات فقهی سخت‌گیرانه استفاده می‌کند، درحالی‌که جریان نوسلفی از الگوهای باز و گفت‌وگومحور با تأکید بر اصلاحات تدریجی بهره می‌گیرد.

جدول ۱. مقایسه الگوی کنشگری دیجیتال سلفی‌های تکفیری و نوسلفی

شاخص	سلفی‌های تکفیری	سلفی‌های نوسلفی
نوع گفتمان	خطابه‌ای، دوگانه‌ساز، تکفیری	انتقادی، اصلاح‌گرایانه، اقناعی
هدف اصلی	مشروعیت‌زدایی کامل، بسیج رادیکال	فشار نرم، اصلاح سیاسی–اجتماعی
راهبرد ارتباطی	انتشار محتواهای شدید، نمادهای خشونت	انتشار محتوای نرم، تحلیل سیاسی–دینی
الگوهای شبکه‌سازی	بسته، امنیتی، پنهان	نیمه‌باز، تعامل‌پذیر
مخاطب هدف	جوانان رادیکال، حاشیه‌نشینان خشمگین	طبقه متوسط مذهبی، دانشگاهیان دینی
چارچوب‌بندی	«حکومت کافر»، «دشمن اسلام»	«نظام نیازمند اصلاح»، «نقد عملکرد»

جدول ۲. طبقه‌بندی کارکردهای شبکه‌های اجتماعی برای اپوزیسیون سلفی

کارکرد	مصداق در جریان تکفیری	مصداق در جریان نوسلفی
سیاسی	حمله به مشروعیت دولت	نقد سیاست‌ها و اصلاحات
امنیتی	هدایت رادیکال‌سازی	مقابله با سرکوب نرم
ایدئولوژیک	ترویج تکفیر و جهاد	بازخوانی فقهی اصلاح‌گرایانه
سازمانی	عضوگیری مخفی	سازمان‌دهی غیرخشونت‌آمیز
اجتماعی	تحریک احساسات خشم	افزایش آگاهی دینی–اجتماعی

جدول ۳. انواع پیام‌ها و الگوهای ارتباطی در شبکه‌های اجتماعی

نوع پیام	ویژگی‌ها	جریان غالب
پیام‌های تکفیری	قطبی، احساسی، دشمن‌ساز	جریان تکفیری
پیام‌های اصلاح‌گرایانه	تحلیلی، ملایم، گفت‌وگومحور	جریان نوسلفی
پیام‌های سیاسی	نقد حکومت، نقد سیاست خارجی	هر دو جریان
پیام‌های هویتی	تمسک به سلف صالح، مفاهیم تاریخی	هر دو جریان
پیام‌های بسیجی	فراخوان، دعوت به مشارکت دیجیتال	تکفیری/نوسلفی

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی برای اپوزیسیون سلفی سعودی مهم‌ترین عرصه کنشگری هستند و هر دو جریان تکفیری سلفی و نوسلفی از این فضا برای تولید گفتمان، بازتعریف هویت، بسیج مخاطبان، و فشار سیاسی-ایدئولوژیک بر حکومت استفاده می‌کنند؛ با این تفاوت که تکفیری‌ها الگوی رادیکالیستی-خشونت‌محور و نوسلفی‌ها الگوی اصلاح‌طلبانه-انتقادی را دنبال می‌کنند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی نه‌تنها ابزار ارتباطی، بلکه بستر اصلی تولید اپوزیسیون دیجیتال در عربستان سعودی هستند.

جدول٤. روند رشد / افت کنشگری دیجیتال اپوزیسیون سلفی و نوسلفی در شبکه‌های اجتماعی (۲۰۱۸-۲۰۲٤)

سال	میزان فعالیت دیجیتال تکفیری (٪)	روند تکفیری	میزان فعالیت دیجیتال نوسلفی (٪)	روند نوسلفی	تحلیل وضعیت
۲۰۱۸	٦٥٪	رشد متوسط	۳۰٪	شروع رشد	آغاز مهاجرت گسترده مخالفان به توییتر و تلگرام
۲۰۱۹	۷۲٪	↑ افزایش	۳٤٪	↑ افزایش	افزایش تنش‌های منطقه‌ای (یمن – قطر) و تشدید نقدهای دینی
۲۰۲۰	۸۰٪	↑↑ اوج‌گیری	٤۱٪	↑ اوج‌گیری	کرونا ← محدودیت میدانی ← جهش فعالیت دیجیتال هر دو جریان
۲۰۲۱	۷٦٪	↓ کاهش جزئی	٤٥٪	↑ افزایش	تشدید نظارت امنیتی بر تکفیری‌ها، تقویت گفتمان اصلاح‌طلبانه نوسلفی
۲۰۲۲	۷۰٪	↓ کاهش	٤۸٪	↑ افزایش	سرکوب کانال‌های تکفیری + رشد بیان اصلاح‌طلبانه در توییتر
۲۰۲۳	۷٤٪	↑ بازگشت	٥۲٪	↑ افزایش	تغییر تاکتیک‌ها، مهاجرت کانال‌های تکفیری به تلگرام/روم‌های بسته
۲۰۲٤	٦۸٪	↓ کاهش نسبی	٥۷٪	↑ ادامه رشد	محدودیت‌های سایبری بر تکفیری‌ها + افزایش نقدهای اجتماعی نوسلفی

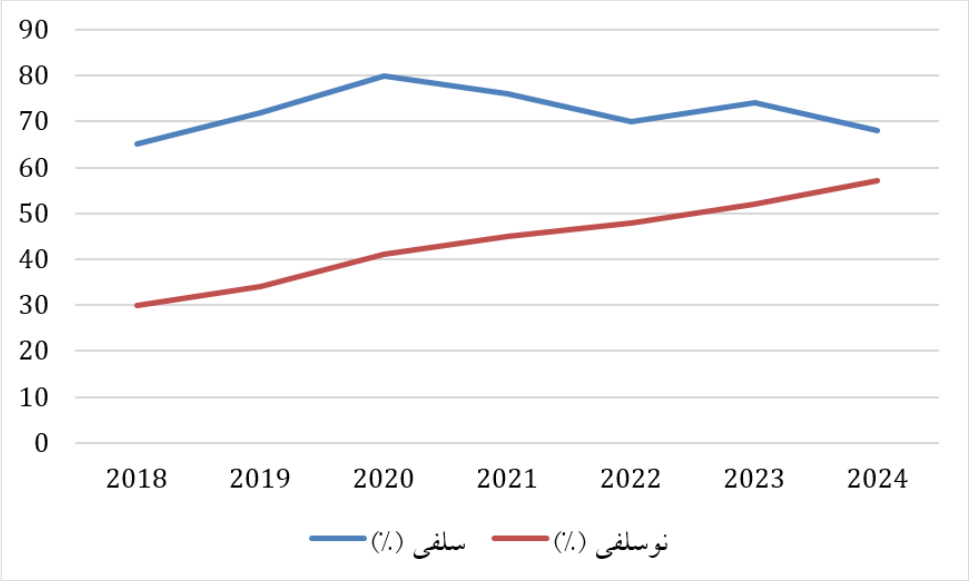

یافته‌های پژوهش بر اساس بررسی داده‌های سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲٤ نشان می‌دهد که کنشگری دیجیتال اپوزیسیون سلفی در عربستان سعودی دو روند متفاوت را طی کرده است. جریان تکفیری سلفی در سال‌های ابتدایی این دوره، به‌ویژه در ۲۰۲۰، به اوج فعالیت خود رسید؛ اما پس از آن به‌دلیل افزایش کنترل‌های امنیتی و محدودیت‌های سایبری، روندی کاهشی و ناپایدار را تجربه کرده است. این جریان همچنان از شبکه‌های اجتماعی برای تولید پیام‌های تکفیری، دشمن‌سازی و شبکه‌سازی پنهان استفاده می‌کند، اما دامنه اثرگذاری آن نسبت به گذشته کاهش یافته است.در مقابل، جریان نوسلفی طی کل دوره مورد بررسی روندی رشدیافته و پیوسته داشته است. نوسلفی‌ها با بهره‌گیری از گفتمان اصلاح‌گرایانه و انتقاد ملایم، توانسته‌اند مخاطبان بیشتری جذب کنند و حضور آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی از ۳۰ درصد در سال ۲۰۱۸ به ۵۷ درصد در سال ۲۰۲٤ رسیده است. این جریان به‌ویژه در زمینه نقد عملکرد سیاسی-اجتماعی و طرح مباحث دینی در قالبی نرم‌تر فعال‌تر بوده و محدودیت‌های امنیتی بر فعالیت آن اثر کمتری گذاشته است.

در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی برای هر دو جریان نقش محوری دارند، اما مسیر آنها متفاوت است .۱-تکفیری‌ها با افت تدریجی و اتکا بر راهبردهای

پنهان‌کارانـه ۲- نوسـلفی‌ها بـا رشـد پایـدار و اتـکا بـر نقـد نـرم و اصلاح‌گرایی. ایـن تفـاوت، سـاختار دوگانـه اپوزیسـیون دیجیتـال سـلفی را نشـان می‌دهـد و زمینـه تحلیـل عمیق‌تـر در بخـش نتیجه‌گیـری را فراهـم می‌کنـد.

۹. نتیجه‌گیری

پژوهـش حاضـر بـا هـدف تبییـن چرایـی و کارکردهـای شـبکه‌های اجتماعـی در کنشـگری اپوزیسـیون سیاسـی سـلفی عربسـتان سـعودی، نشـان داد کـه فضـای دیجیتـال در سـاختار بسـته و اقتدارگـرای ایـن کشـور به‌عنـوان یـک حـوزه عمومـی جایگزیـن عمـل می‌کنـد؛ حـوزه‌ای کـه امـکان تولیـد معنـا، انتقـال نقـد سیاسـی و بازنمایـی نارضایتـی را خـارج از سـازوکارهای رسـانه‌ای رسـمی فراهـم می‌سـازد. تحلیـل نظـری و یافته‌هـای تجربـی ایـن پژوهـش نشـان می‌دهـد کـه شـبکه‌های اجتماعـی بـرای جریان‌هـای مخالـف سـلفی—اعم از تکفیـری و نوسـلفی—نه صرفـاً ابـزار ارتباطـی، بلکـه بسـتر اصلـی بازتولیـد گفتمـان اپوزیسـیونی اسـت. نتایج نشـان داد کـه جریـان تکفیـری سـلفی در دوره زمانـی ۲۰۱۸ تـا ۲۰۲٤ الگویـی نوسـانی و رو بـه کاهـش در فعالیـت دیجیتـال داشـته اسـت. ایـن جریـان کـه بـر گفتمـان تکفیـر، قطبی‌سـازی و مشـروعیت‌زدایی حداکثـری از حکومـت سـعودی تکیـه دارد، در سـال‌های نخسـت پژوهش—به‌ویـژه ۲۰۲۰—بـه اوج رسـید، امـا تحـت فشـارهای امنیتـی، محدودیت‌هـای سـایبری و انسـداد کانال‌هـای ارتباطـی، بخشـی از تـوان اثرگـذاری و سـازمان‌دهی خـود را از دسـت داده و بـه فعالیت‌هـای پراکنـده، پنهـان و رمزگذاری‌شـده محـدود شـده اسـت. بـا وجـود کاهـش نسـبی، ایـن جریـان همچنـان در فضـای دیجیتـال حضـور دارد و تـلاش می‌کنـد از طریـق شـبکه‌های کوچـک امـا فعـال، پیام‌هـای ایدئولوژیـک و رادیـکال خـود را حفـظ کنـد. در مقابـل، جریـان نوسـلفی طـی همیـن دوره رونـد رشـد خطـی، پایـدار و افزایشـی داشـته اسـت. نوسـلفی‌ها کـه رویکـردی نرم‌تـر، گفت‌وگومحـور و اصلاحـی نسـبت بـه نظـام سیاسـی دارنـد، توانسـته‌اند از فضـای شـبکه‌های اجتماعـی بـرای نقـد سـاختار سیاسـی، پرسـش از مشـروعیت دینـی نهادهـای رسـمی و بیـان مطالبـات اجتماعـی اسـتفاده کننـد بـدون آنکـه وارد تقابـل آشـکار بـا حکومـت شـوند. ایـن رویکـرد باعـث شـده حساسـیت امنیتـی نسـبت بـه آنهـا کمتـر باشـد و زمینـه افزایـش مخاطـب و تثبیـت گفتمـان اصلاح‌گرایانـه آنـان فراهـم شـود. رشـد مـداوم فعالیـت نوسـلفی‌ها در سـال ۲۰۲٤ نشـان می‌دهـد کـه اپوزیسـیون دیجیتـال عربسـتان به‌جانـب گفتمان‌هـای غیرخشـونت‌آمیز و اصلاحـی گرایـش بیشـتری پیـدا کـرده اسـت. بر ایـن اسـاس، شـبکه‌های اجتماعـی در عربسـتان امـروز نقشـی دوگانـه ایفـا می‌کننـد: از یک‌سـو، بـه جریان‌هـای تکفیـری امـکان حفـظ حداقلـی فعالیـت و پیونـد فراملـی می‌دهنـد؛ و از سـوی دیگـر، فضـای بازتـری بـرای نوسـلفی‌ها

ایجاد می‌کنند تا بتوانند گفتمان تشکیل‌دهنده «اپوزیسیون نرم» را گسترش دهند. همین دوگانگی باعث شده اپوزیسیون دیجیتال سلفی نه یک جریان یکپارچه، بلکه ساختاری چندلایه و سیال باشد که بسته به شرایط سیاسی، امنیتی و اجتماعی، میان رادیکالیسم و اصلاح‌گرایی در نوسان است.در مجموع، یافته‌ها تأکید می‌کنند که شبکه‌های اجتماعی اکنون مهم‌ترین میدان رقابت گفتمانی در عربستان سعودی هستند؛ میدانی که در آن، جریان‌های تکفیری به‌دلیل فشار امنیتی در حال عقب‌نشینی تدریجی‌اند، و جریان‌های نوسلفی با رویکرد اصلاح‌گرایانه در حال گسترش و تثبیت موقعیت خود. این روند نشان می‌دهد که آینده اپوزیسیون سلفی سعودی بیش از هر زمان دیگری به پویایی‌های فضای دیجیتال وابسته است؛ فضایی که از یک طرف ابزار تولید قدرت نرم و گفتمان جدید را برای مخالفان فراهم می‌کند و از طرف دیگر همچنان میدان اصلی مداخله، نظارت و کنترل حکومت باقی مانده است.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

References

Aljazeera i, C., Connett, J., Boyers, L., Quest, T., & Dellavalle, R. P. (2020). *Dermatology on instagram. Dermatology online journal*, 20 (7).

Al-Rasheed, M. (2021). *The Son King: Reform and Repression in Saudi Arabia*. Oxford University Press.

Al-Rasheed, Madawi. (2007). *Contest and Control: Religious Authority in Saudi Arabia*. Columbia University Press.

Al-Saud, F. (2020). *Salafism and Political Reform in Saudi Arabia: Digital Dissent and Quietist Mobilization*. Routledge.

Binder, S. (2022). "Online Radicalization: Psychological Mechanisms and Digital Dynamics." Frontiers in Psychology, 13: 997390.

Bunt, G. R. (2018). Hashtag Islam: How Cyber-Islamic Environments Are Transforming Religious Authority. University of North Carolina Press.

Byman, D. (2019). *Road Warriors: Foreign Fighters in the Armies of Jihad*. Columbia University Press.

Castells, M. (2005). The Network Society: A Cross-cultural Perspective. Edward Elgar Publishing.

Castells, M. (2010). The Rise of the Network Society. Wiley-Blackwell.

Castells, M. (2012). Networks of Outrage and Hope: Social Movements in the Internet Age. Polity Press.

Ekhtiari Amiri,R. , Tabei,M. S. and Dehrouyeh,A. (2021). *Telegram and National Security of Iran*. Journal of Political Strategy, *5* (16), 55-82. [in-persin]

El-Masri, A., Riedl, M. J., & Woolley, S. (2022). *Audio misinformation on WhatsApp: A case study from Lebanon. Harvard Kennedy School Misinformation Review*, 3 (4).

Entman, R. (1993). "Framing: Toward Clarification of a Fractured Paradigm."

Journal of Communication, 43 (4): 51–58.

Eriksen i, F. (2018). Instagram as a teaching tool? Really?. Proceedings of ISELT FBS Universitas Negeri Padang, 4 (1), 320-327.

Farooq, M. (2022). "Digital Extremism and Online Securitization." Middle East Journal, 76 (1): 69–85.

Fenoll, V. (2022). Political communication on Facebook and populism: The 2019 European Parliament election in Spain. *Communication & Society, 35* (3), 91–103.

Flamino, J., Galeazzi, A., Feldman, S., Macy, M. W., Cross, B., Zhou, Z., Serafino, M., Bovet, A., Makse, H. A., & Szymanski, B. K. (2023). Political polarization of news media and influencers on Twitter in the 2016 and 2020 US presidential elections. *Nature Human Behaviour, 7*, 904–916.

Freedom House. (2020). Freedom on the Net: Saudi Arabia Report. Freedom House.

Freedom House. (2021). Freedom on the Net: Global Overview.

Garimella, K., & Eckles, D. (2020). *Images and misinformation in political groups: Evidence from WhatsApp in India. Harvard Kennedy School Misinformation Review*, 1 (5).

Gause, F. G. (2014). Beyond Sectarianism: The New Middle East Cold War. Brookings Institution.

Gil de Zúñiga, H., Goyanes, M., & Mateos, A. (2024). Twitter communication among democracy actors: How interacting with journalists and elected officials influence people's government performance assessment and trust. *Social Media + Society, 10* (1).

Gillespie, T. (2018). in The Sage Handbook of Social Media. Edited by Jean Burgess; Thomas Poell & Alice E. Marwick. London: Sage Publication.

Goffman, E. (1974). Frame Analysis. Harvard University Press.

González-Bailón, S., Lazer, D., Barberá, P., Godel, W., Allcott, H., Brown, T., Crespo-Tenorio, A., Freelon, D., Gentzkow, M., Guess, A. M., Iyengar, S., Kim, Y. M., Malhotra, N., Moehler, D., Nyhan, B., Pan, J., Rivera, C. V., Settle, J., Thorson, E., … Tucker, J. A. (2024). The diffusion and reach of (mis)information on Facebook during the U.S. 2020 election. *Sociological Science, 11*, 1124–1146.

González-Bailón, S., Lazer, D., Barberá, P., Zhang, M., Allcott, H., Brown, T., Crespo-Tenorio, A., Freelon, D., Gentzkow, M., Guess, A. M., Iyengar, S., Kim, Y. M., Malhotra, N., Moehler, D., Nyhan, B., Pan, J., Rivera, C. V., Settle, J., Thorson, E., … Tucker, J. A. (2023). Asymmetric ideological segregation in exposure to political news on Facebook. *Science, 381* (6656), 392–398.

Habermas, J. (1989). The Structural Transformation of the Public Sphere. MIT Press.

Hajiahmadi, Mahdi. (2022). Methods of media influence of the opponents of the regime through the social network Instagram (Case study of the Instagram pages of the monarchist current). (MA thesis).University of Religions and Denominations. Faculty: Communications and Media.2022[in persin]

Hamid, S. (2018). *Islamic Exceptionalism: How the Struggle Over Islam Is Reshaping the World*. St. Martin's Press.

Hassani, hossein. (2024). Content Moderation Mechanisms in Video Platforms: A Case Study of YouTube, Quarterly Journal of Virtual Space and Social Media, 1, 1: 47-84[in persin]

Hedayatnia, Mehdi; Rezaei, Mona; Ghanbari, Ali. (2021). "Analyzing the Role of Social Media in Political Developments in Saudi Arabia." Quarterly Journal of Middle East Regional Studies, 12 (3): 65–90. [in persin]

Hegghammer, T. (2010). Jihad in Saudi Arabia: Violence and Pan-Islamism since 1979. Cambridge University Press.

Hosseinigholi Pour, A., Bigzadeh, B., & Pourshalchi, H. (2016). Introduction to social networks and their role in individuals' lives. Paper presented at the 3rd Interna-

tional Conference on Behavioral Sciences and Social Studies. [in persin]

Howard, P. (2015). Pax Technica: How the Internet of Things May Set Us Free or Lock Us Up. Yale University Press.

Lacroix, S. (2011). Awakening Islam: The Politics of Religious Dissent in Contemporary Saudi Arabia. Harvard University Press.

Lister, C. (2015). The Syrian Jihad: Al-Qaeda, the Islamic State and the Evolution of an Insurgency. Oxford University Press.

Lynch, M. (2016). *The New Arab Public Sphere: Politics, Media, and Networked Communication*. Cambridge University Press.

Marchal, N., Neudert, L.-M., Kollanyi, B., & Howard, P. N. (2021). Investigating visual content shared over Twitter during the 2019 EU Parliamentary Election Campaign. *Media and Communication, 9* (1), 158–170.

Resende, G., Melo, P. H. C., Reis, J. C. S., Vasconcelos, M., Almeida, J. M., & Benevenuto, F. (2019). *Analyzing textual (mis)information shared in WhatsApp groups. In Proceedings of the 10th ACM Conference on Web Science* (WebSci '19).

Said, M. N., Giustini, D. M., & Wheeler, S. (2019). Instagram and WhatsApp in health and healthcare: An overview. Future internet, 8 (3), 37.

Salehi, Hamid. (2019). "A Comparative Study of Digital Activism of Religious Groups in the Middle East." Political Science Research, 17 (4): 33–60. [in persin]

Sardarnia, Khalilollah. (2022) An Introduction to Sociology, Tehran: Mizan. [in-persin]

Tufekci, Z. (2017). Twitter and Tear Gas: The Power and Fragility of Networked Protest. Yale University Press.

Van Dijk, Y. (2017). The Culture of Connection: A Critical History of Social Media. Translated by Hossein Hassani. Tehran: Soure Mehr.[in persin]

Wehrey, F. (2017). Sectarian Politics in the Gulf: From the Iraq War to the Arab Uprisings. Columbia University Press.

Whittaker, J. (2022). “Online Extremism and Algorithmic Pathways.” Journal of Policing, Intelligence and Counter Terrorism, 17 (2): 93–112.

Wiktorowicz, Q. (2006). *Anatomy of the Salafi Movement*. Studies in Conflict & Terrorism, 29 (3), 207–239.

Winter, C. (2015). Documenting the Virtual Caliphate. Quilliam Foundation.